

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

۲ می ۲۰۰۹

یادداشت پورتال:

منظومه "سیزده نفر افغان" که از طبع نقاد و ظریف شاعر توانای افغان و همکار دائمی و گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، جناب نعمت الله مختار زاده، تراویده، یکبار دیگر همان شعر معروف شیخ اجل را بیاد می آرد که:

پرتو نیکان نگیرد، هر که بنیادش بد است تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است

و ما تصدیق این پیام هشتصد ساله سعدی شیرازی را وقتی گرفتیم، که رهبران تنظیمی و ویرانگران کابل، در خانه خدا دست بر قران گذاشته و سوگند اتحاد خوردند، ولی همینکه حین برگشت در طیاره نشستند، دست به یخن گشتند و زن و فرزند یکدیگر را به باد ناسزا گرفتند. این نکته مگر عام نیست، چون در بین هر قوم و گروه و ملتی، فقط یک تعداد معدود "پلیدان" و "بدان" وجود دارد، اما اکثریت مطلق در همه جا و در همه حال، معصوم و مبرا از چنین نیرنگها و مفاسد است.

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

۲۰۰۶/۰۱/۲۳

سیزده نفر افغان

آمد خبر از کعبه که افتاده و خیزان سیزده نفر افغان
زائر شده در خانه حق، از دل و از جان سیزده نفر افغان

در مُزدلفه، دامن پُر سنگ، رسیدند بر جنگ، دویدند
رفتند به (منا) که زنند سنگ به شیطان سیزده نفر افغان

هر دانه سنگی که زدند، جانب ابلیس برگشت ز تجنیس
بر صورت خود خورده و گشتند گریزان سیزده نفر افغان

از حمله شیطان همه ناچار دویدند احرام دریدند
شد سیصد و پنجاه تن بیچاره به قربان سیزده نفر افغان

اما ز بد بخت ، چه جور و چه جفا شد بشنو که جها شد
بس پرچم افغان به جهان گشت نمایان سیزده نفر افغان

آنجا همه بودند به اجرای زیارت جمعی به تجارت
دستگیر ، به دزدی شده تعداد مسلمان سیزده نفر افغان

ای وای به آن کعبه و حج کردن و مزدش بر زائر دزدش
لازم نبود این عمل زشت ، ز انسان سیزده نفر افغان

چیزی نتوان گفت ، درین باره ازین بیش بیگانه و برخویش
هرگز نشود حرف حقیقت پُت و پنهان سیزده نفر افغان

مو در بدنم راست شدی جمله به یکبار از این عمل و کار
تا جلوه گر اندر نظرم ، چهره یاران سیزده نفر افغان

گفتم به دل زار ، کمی حوصله باید این توطئه شاید
حجاج بیایند و پُرسیم ز ایشان سیزده نفر افغان

یعنی ز رفیقان و عزیزان وفادار با تسبیح و چلتار
شخصی که دبل حاجی و آگه ، ز جریان سیزده نفر افغان

زیرا که دو سه کاسب معروف مهاجر هم تاجر و زائر
تگ گشته یکی ، دیگری تگمار به هر آن سیزده نفر افغان

یارب مددی کن که مبادا تگ و تگمار از عامل آن کار
باشند و به ما طعنه ، ز هر منکر ایمان سیزده نفر افغان

دیشب تلفونی سخنی بود ، مرا با (اسرائیل رویا)
در باره دزدی و پل افتادن و عصیان سیزده نفر افغان

با خنده همی گفت ، که در زیر همان پل شاید که دو بلبل
حاصل یکی و دیگری محصول گناهان سیزده نفر افغان

گفتم که (فلانی) و (فلانی) شده امسال چون تاجر و دلال
گردیده همه رمه و ، آن هردو چو چوپان سیزده نفر افغان

بار دیگری خنده کنان گفت ، مبادا این هردو در آنجا
مانند دو بلبل شده باشند ، غزلخوان سیزده نفر افغان

نازل غضب حق شدی بر غاسیل و مغسول هم سائل و مسئول
افتاد پل و ، عالمی گردید ، پریشان سیزده نفر افغان

کردند فرار ، از غضب حق ، به مهارت بر سوی زیارت
تا بار دیگر توبه ، به درگاه جهانیان سیزده نفر افغان

بشکفت به هنگام زیارت ، گل دیگر چون سنبل دیگر
دستگیر به دزدی شده ، بالفعل به میدان سیزده نفر افغان

شاید ، شده هر دو گک شان ، شامل سرقت یا عامل سرقت
این راز ، نداند کسی ، جز ایزد رحمان سیزده نفر افغان

گر شش تکه و ، سه تکه الحاج و ، دبل حاج یا دیدی دغل حاج
از تک تک شان پُرس و بگو بر من حیران سیزده نفر افغان

گفتم که هر آنچه شینود «نعمت» از هر کس از خار و زهرخس
منظوم ، رقم کرده فرستد به عزیزان سیزده نفر افغان